پیامبر گرامی اسلام(ص):

ذلیل‌ترین مردم کسانی هستند که به مردم توهین می‌کنند

نهج الفصاحه، ترجمه علی‌اکبر میرزایی، چاپ هفتم، حدیث ۴۸۱

طلوع روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده

شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا): ۸۰۰۲ – ۵۸۷۳ ISSN: 5873-8002

حساب جاری سپهر ۰۱۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلوع

شیراز: خیابان انقلاب (نادر) – نبش پارک انقلاب – مجتمع رز – طبقه اول

تلفن: ۲۳۴۴۷۷۲ – ۰۷۱۱ فاکس: ۲۳۴۴۷۷۱ – ۰۷۱۱

کازرون: خ قدمگاه – پایین تر از سه راه دانشسرا – تلفکس: ۲۲۲۹۲۴۶ – ۰۷۲۱

تایپ و صفحه آرایی: روزنامه طلوع چاپ: نجف زاده شیراز

شمارگان: ۲۰/۰۰۰ نسخه

امروزِ شما

متولدین فروردین: شما مسائل و مشکلات حل نشده ای هم دارید که مربوط به گذشته تان هستند. به جای اینکه وانمود کنید که همیشه در زمان حال زندگی می کنید با صحبت کردن در مورد موضوعاتی که شما را به دردسر انداخته اند آسیب پذیری خود را نشان دهید. از نتایج این گفتگوها شگفت زده خواهید شد.

متولدین اردیبهشت: فراموش نکنید که نگرش های شما به اندازه چیزهای دیگر می‌توانند در خوشبختی شما تأثیر داشته باشند. اگر شکایت کرده و غر بزنید مطمئناً روز خوبی نخواهید داشت. اما اگر انرژی های مثبت را جذب کنید و آن را به دوستانتان هم انتقال بدهید روزی بسیار خوب و عالی خواهید داشت.

متولدین خرداد: اگر حوادث غیر منتظره ای در محل کارتان روی داده و تقاضاهای زیادی از شما می شود واقعاً مهم نیست که چه احساسی دارید. هنوز هم لازم است رقابت و عملکرد خود را به خوبی نشان بدهید. اما نمی توانید حدس بزنید کارهایتان چقدر طول خواهد کشید، بنابراین هرچه زودتر کارتان را شروع کنید.

متولدین تیر: شما نسبت به همیشه سرحال تر هستید، اما زیاد مشتاق نیستید که دیگران بفهمند که چه احساسی دارید. اما این موضوع می تواند یک گسستگی بین تفکرات منطقی و احساسات قلبی شما ایجاد کند. سعی نکنید که دیگران را هم درگیر این کشمکش های درونی خودتان بکنید، برای اینکه آنها نمی توانند هیچ کمکی بهتان بکنند.

متولدین مرداد: گاهی اوقات وقتی که شما در کاری موفق می‌شوید برایتان سخت است که خودتان را کنترل کرده و احساساتتان را ابراز نکنید، با وجود این زمانی که شما از نظر احساسی ضربه می‌خورید توانایی انجام این کار را دارید. به یاد داشته باشید حالا که احساسات شکننده و حساس هستند، اگر ابراز شوند نمی‌توانند به این شکلی که در حال حاضر هستند مدت زیادی دوام بیاورند.

متولدین شهریور: امروز هیچ حرف ناگفته ای باقی نمانده است، اما شما باز هم نمی دانید که چگونه در مورد تجربیات خود صحبت کنید. در مورد رویاها و تخلیات خود با کسی صحبت نکنید، چون اکنون از این کار هیچ نفعی عاید شما نمی شود. بعدها برای تجزیه و تحلیل کردن و بحث کردن در مورد آنها وقت کافی خواهید داشت.

متولدین مهر: زمانی که شما نیاز به حمایت عاطفی دارید، برایتان خیلی سخت است که از یک دوست تقاضای کمک کنید. باید از شرایطی که در آن قرار گرفته اید فرار کنید. شاید فرار کردن ایده خوبی به نظر برسد، اما هر وقت که لازم باشد، شما دوست دارید همچنان پافشاری کرده و به دیگران کمک کنید.

متولدین آبان: احساسات شما نسبت به همیشه ژرف تر شده اند، اما در حال حاضر شما الزاماً دوست ندارید که آنها را با کس دیگری مطرح کنید. متأسفانه شما در شرایطی قرار خواهید گرفت که نگه داشتن آنها پیش خود به صورت یک راز برایتان مشکل می شود.

متولدین آذر: زمانی که به نظر می رسد روز خیلی خوبی را آغاز کرده اید، موردی پیدا می شود که شما را از درون عذاب می دهد و جلوی خوشحالی شما را می گیرد. به جای تغییر دادن شرایط اخیر، اکنون سختتر کار کردن مفید واقع خواهد شد. لازم نیست که به افراد دیگر وابسته باشید. فقط باید دید خود را تغییر دهید.

متولدین دی: شما می خواهید به شخصی نشان بدهید که واقعاً نگران او هستید، اما تردید دارید. تردید شما به خاطر این است که اگر یک بار احساسات خود را نشان بدهید، از این به بعد دیگران توقعات خیلی زیادی از شما خواهند داشت. ولی باید ریسک کرده و این کار را بکنید. درستکار بودن نسبت به فریب دادن دیگران نتایج خیلی بهتری برایتان به ارمغان می آورد.

متولدین بهمن: در حال حاضر حتی مواقعی که شما در محل کار هستید، زندگی شما در روابطتان خلاصه شده است. همکارانتان در سر کار در مورد کارهایی که انجام داده اند سر و صدای زیادی به راه می اندازند، اما شما زیاد تحت تأثیر قرار نمی گیرید. اگر امروز نقطه نظرهای انتقادانه خود را ابراز کنید مؤثر واقع نخواهند شد.

متولدین اسفند: امروز با دیگران به مهربانی رفتار می کنید، ولی دوست ندارید احساسات خود را نشان دهید. شما می توانید توانایی هایی که در موردش صحبت نمی کنید را در کارتان نشان دهید و این موضوع تحسین همگان را برخواهد انگیخت.

ازدواجی که در گینس ثبت نشد

شهلا ریاحی می گوید: قرار بود امسال هفتادمین سالگرد ازدواجمان را جشن بگیریم و ناممان را در کتاب گینس به عنوان هنرمندانی که رکورد بیشترین عمر زندگی مشترکشان را با هم بودند ثبت کنیم اما...

خیابان کریمخان به سمت حافظ شمالی را که پیاده بروی کمی بالاتر آپارتمانی است که در طبقه سوم آن دوست داشتنی‌ترین مادربزرگ سینمای ایران زندگی می کند. ما هم عید دیدنی مان را قبل از عید انجام دادیم تا در این ایام مزاحمشان نشویم و هم از حال روزشان برای خوانندگان تماشا بگوییم.

فضای خانه اش آن قدر گرم و صمیمی است که هربار به دیدنش می روم احساس می کنم بستگان نزدیکم را ملاقات می کنم. لبخندش همیشگی است، انگار روی صورتش حک شده. اما دو سالی هست که بعد از فوت همسرش چشمانش چیز دیگری می گویند.

هربار که صحبتمان به مرحوم اسماعیل ریاحی کشیده می شود حلقه اشک چشمان او را از ادامه صحبت باز می دارد. اتاق پذیرایی‌اش پر است از پرتره ها و عکسهای زیبای خودش به همراه جوایز و افتخارات سینمایی و تابلویی که با همسرش انداخته است. هر گوشه از اتاق که نشسته باشد نگاهش به سمت همان تابلو می چرخد.

فقط چند ماه تا گینس مانده بود

از بین همه اسباب و لوازم منزل تنها تعلق خاطرش به همان عکس دو نفره با همسرش است. دکتر منوچهر ریاحی (پسرش) می‌گوید: «قرار بود امسال هفتادمین سالگرد ازدواجشان را جشن بگیریم و نامشان را در کتاب گینس به عنوان رکورد بیشترین عمر زندگی مشترکشان را با هم بودند ثبت کنیم. این رکورد به نام پل نیومن ثبت شده و ما می خواستیم نام شهلا و اسماعیل ریاحی را جای آن بنشانیم اما پدر ما را خیلی زود تنها گذاشت».

وارد اتاق پذیرایی که می‌شوم اولین چیزی که توجهم را جلب می کند تابلوی بزرگی است که عرض دیوار را پوشانده و تمامی عکس‌های خانم شهلا را در خود جای داده است. این تابلو را عروسش که البته خواهرزاده خانم شهلا ریاحی هم هست طراحی کرده و جالب اینکه وقتی به عکسها دقیق می شوم هرکدام نمادی از جالب ترین و خاطره انگیزترین صحنه های هنری و خصوصی زندگی این هنرمند است. در گوشه ای از این تابلو عکسی مربوط به دوران جوانی زوج ریاحی است که خانم شهلا با کت و شلواری مردانه و همسرش با لباسی که به نظر زنانه می آید پشت سرش ایستاده است. باقی عکس ها هم هرکدام ثبت خاطراتی است که هرکدام اندازه یک کتاب قصه است.

خاطرات ایران را بیشتر دوست دارد

وقتی از حال و هوای این روزهای خانم شهلا می‌پرسم می گوید: «بهترین دوست مادر، خانم نادره خیرآبادی بود. آنها هر روز تلفنی هم که شده جویای احوال هم می‌شدند. بعد از فوت ایشان، چون دیگر فعالیتی هم در سینما و تلویزیون نداشتند، ارتباطشان با اهالی سینما قطع شد. این روزها بیشتر در خانه است و پرستارش از او مراقبت می کند. چند ماه پیش او را به سوئیس منزل نوه‌اش بردیم و تصمیم داشتیم مدتی ایشان را انجا نگه داریم تا حال و روزشان کمی بهتر شود. اما ایشان برای برگشتن بی قراری می کرد و ما هم تصمیم به بازگشتشان گرفتیم.

ایشان ایران و خاطراتی که اینجا دارد مخصوصا همین خانه که گوشه گوشه اش او را یاد پدرم می اندازد را بیشتر از سفر دوست دارد».

دکتر ریاحی دلیل جدا شدن مادر از حرفه‌اش را این گونه بیان کرد: «چند سال پیش زمانی که پدر هنوز در قید حیات بود و خانم شهلا هم بازیگری می کردند عارضه ای برای مادر به وجود آمد که پدر آن را تا مدت ها برای کسی بازگو نکرد. بعد از آن آثاری از فراموشی بارز شد که ایشان به صلاح دید پدر تصمیم گرفتند با کارشان خداحافظی کنند».

شهلا ریاحی بهترین سرگرمی اش را حل جدول می داند و با اشاره به میز کنارش که انباشته از مجلات جدول است می گوید: «سر خودم را با همین جدول ها گرم می‌کنم و کیف می کنم (می‌خندد). گاهی هم تلویزیون می بینم اما جدول را بیشتر دوست دارم».

نام شهلا را همسرم انتخاب کرد

بانوی پیشکسوت سینمای ایران وقتی صحبتمان به اینجا رسید با یادی از خاطرات قدیمش توضیح داد: «ریاحی خودش دست مرا گرفت و به سینما برد. نام شهلا را هم خودش برایم انتخاب کرد. آن روزها هنرپیشه شدن برای یک زن کار چندان پسندیده ای نبود و من که یک دختر نوجوان بودم حتی از طرف خانواده ام هم تحت فشار قرار گرفتم طوری که آنها مدتی با من قطع رابطه کردند. اما وقتی دیدند که من هم خانواده ام را نگه داشتم و هم در کارم موفقم از موضعشان کوتاه آمدند. تمام سال هایی که من کار می کردم مرحوم ریاحی روی کارهایم نظارت می کرد و من به او اطمینان کامل داشتم که البته نتیجه اش را هم دیدم».

همه عیدهایم خاطره است

شهلا ریاحی تا زمانی که همسرش در قید حیات بود همه روزهایش را خاطره ساز می‌داند و می گوید: «بهترین خاطرات زندگی من از زمان آشنایی ام با همسرم آغاز شد و خاطراتمان تنها به عید و مناسبت های خاص خلاصه نشد».

وقتی سراغ دیگر اعضای خانواده شان را می‌گیرم دکتر ریاحی می‌گوید: «من و خواهرم پریچهر که سال هاست در خارج از کشور زندگی می کند تنها فرزندان خانم شهلا هستیم. من و همسرم و خواهرهای ایشان از معدود بستگانی هستیم که ایران زندگی می‌کنیم. البته سالها پس از ازدواج مادر، مرحوم احمد قدکچیان هم با خواهر کوچک خانم شهلا ازدواج کرد و یک سینمایی دیگر به این خانواده اضافه شد. البته دیگر سخت گیری های قدیم وجود نداشت».

عروسی در دقیقه ۹۰

سر میز شام، صحبت‌هایمان به خاطره عروسی دکتر ریاحی و همسرش رسید؛ داستانی جالب و شنیدنی و بسیار سرگرم کننده مانع شد که بفهمیم کی بشقابمان خالی شده. قصه از عروسی شروع شد که داشت به عقد شخص دیگری درمی آمد و دامادی که کمتر از یک هفته به کمک خانم شهلا همه چیز را رو به راه کرد و دخترخاله اش را به خانه بخت خودش برد.

همان لحظه با خانم شهلا به سمت تابلوی خاطرات رفتیم و ایشان عکسی که شب عروسی پسرشان انداخته بودند را نشانم دادند. عکسی که بعد از آن متوجه شدم بانوی پیشکسوت سینما، خود طراحی لباس هایش را برعهده داشت و خیاطی از آشنایان نزدیک ایده هایش را عملی می کرد.

ثریا قاسمی:

در سفر اروپا و زنده هستم

شایعه‌ای مبنی بر درگذشت «ثریا قاسمی» بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بین عموم مردم پراکنده شد...

به گزارش خبرگزاری فارس شایعه ای مبنی بر درگذشت «ثریا قاسمی» بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بین عموم مردم پراکنده شد که قاسمی در گفت وگو با خبرنگار سینمایی فارس این خبر را تکذیب کرد.

وی ضمن ابراز تأسف از این گونه اقدامات، نسبت به منبع پخش این شایعه اظهار بی اطلاعی کرد.

قاسمی با اشاره به اینکه در سلامت کامل و در سفر اروپایی به سر می‌برد، افزود: تاکنون با تماس های مکرر افراد در رابطه با این خبر مواجه بوده ام.

خواندنی هایی از گوشه و کنار دنیا

پسری که سالی ۵ بار می‌میرد !!

در شهر گلاسگو در کشور اسکاتلند پسری ۳ ساله زندگی می کند که دچار سندرمی خاص است که باعث می شود قلب او ناگهان از کار بیافتد.

قلب آرون۳ ساله معمولا در هر حمله ۷ دقیقه از کار می افتد و در این مدت اعضای خانواده وی که همگی برای کار با دستگاه شوک الکترونیکی آموزش دیدند وی را کمک می کنند. بیماری او که «سندرم مرگ ناگهانی» است در سه ماه گذشته باعث شده است تا قلب وی ۳ مرتبه از کار بیافتد. پزشکان پیش بینی می‌کنند که احتمالا قلب این کودکان در هر سال ۵ بار از کار خواهد افتاد. مادر او در این باره می‌گوید: او به مانند یک کودک سالم و عادی است و همیشه دوست دارد بدود و تحرک داشته باشد. با وجود این که پزشکان توصیه کرده اند که از دویدن او جلوگیری کنیم اما نمی توانیم از این مسئله جلوگیری کنیم. آرون با وجود این مشکل به زندگی خود ادامه می‌دهد و روزها به کودکستانی در نزدیکی خانه خود می رود.

طنز

گردآوری از: الناز بابانظری

تا حالا دقت کردین که؟!

- دقت کردین هر موقع دارین سشوار می‌کشین حتی اگه تو خونه تنهام باشین هی حس می‌کنین یکی صداتون می‌کنه؟
- تا حالا دقت کرده بودین تام و جری تمام مدت لخت بودن، اما وقتی میرفتن لب ساحل، شلوارک پاشون می‌کردن؟
- تا حالا دقت کردین تو فیلمای ایرانی، همیشه وقتی طرف می‌فهمه بچه دار نمیشه همه بچه ها از ماشینای بغلی و جلویی و عقبی باهاش بای بای می‌کنن می‌خندن؟!

- تا حالا دقت کردین تمام مریضا توی فیلما و سریالای ایرانی، انتهای راهرو سمت راست بستری هستن!
- تا حالا دقت کردین وقتی عجله نداری همه ی چراغا سبزن و راه‌ها خلوت، وقتی دیرت شده همه ی چراغا قرمزند و راه‌ها بسته؟
- تا حالا دقت کردین هر وقت یه تیکه یخ از دست افتاده روی زمین با لگد زدی که بره زیر یخچال!
- تا حالا دقت کردین تو مهمونی تا میای پشت سر یکی حرف بزنی موزیک قطع می‌شه و نصف حرفتو یهو همه می‌شنون...!!!!
- تا حالا دقت کردی مغز انسان پرکارترین جای بدنه ۲۴ ساعت در ۳۶۵ روز سال و کار میکنه فقط وقتی متوقف میشه که ما وارد سالن امتحانات می‌شیم.
- لذتی که در خوابیدن روی جزوه هست تو خوابیدن روی تختخواب نرم نیس.
- تنها زمانی مشتری ها با لبخند وارد مغازه می‌شوند که می‌خوان جنسی رو تعویض کنن یا پس بدن !
- تا حالا دقت کردین پدر و مادر تا می‌خوان شما را صدا بزنن، اول اسم داداش یا خواهرتون را میگن؟
- تا حالا دقت کردین تو جاده های ایران وقتی قسمت انگلیسی تابلو اسم یک شهر رو می خونین بهتر متوجه می‌شین تا فارسیش رو !!!!
- تا حالا دقت کردین اگه تو مترو الکی شروع به دویدن بکنید ملت هم همینطوری دنبالتون می‌دوند..!
- تا حالادقت کردین وقتی که خوشحالیم بالاخره یه چیزی یا یه کسی پیدا می‌شه که سریع گند بزنه به خوشحالیمون...!
- دقت کردین وقتی میگن غصه نخور، آدم بیشتر غصه‌ش میگیره؟؟؟!!!
- تاحالا دقت کردین وقتی که عجله دارین و میخواین سریع به مقصد برسین همه ی تاکسی ها غیب میشن یا مسافر دارن ولی وقتی میخوای از خیابون رد شین هرچی تاکسی تو اون خیابون هست میاد جلو بوق میزنه؟آخ که حرص آدم درمیاد.
- دقت کردین ما ایرانیا وقتی بچه هستیم میگن بچه است، نمیفهمه وقتی نوجوان هستیم میگن نوجوانه، نمیفهمه وقتی جوان هستیم میگن جوون و خامه، نمیفهمه. وقتی بزرگ میشیم میگن داره پیر میشه، نمیفهمه وقتی هم پیر هستیم میگن پیره، حالیش نیست، نمیفهمه فقط وقتی می‌میریم میان سر قبرمون و میگن عجب انسان فهمیده ای بود.

از نگاه دوربین

شقایق‌زارهای کازرون (تنگ چوگان)

عکاس: علی گلچین

بدون شرح

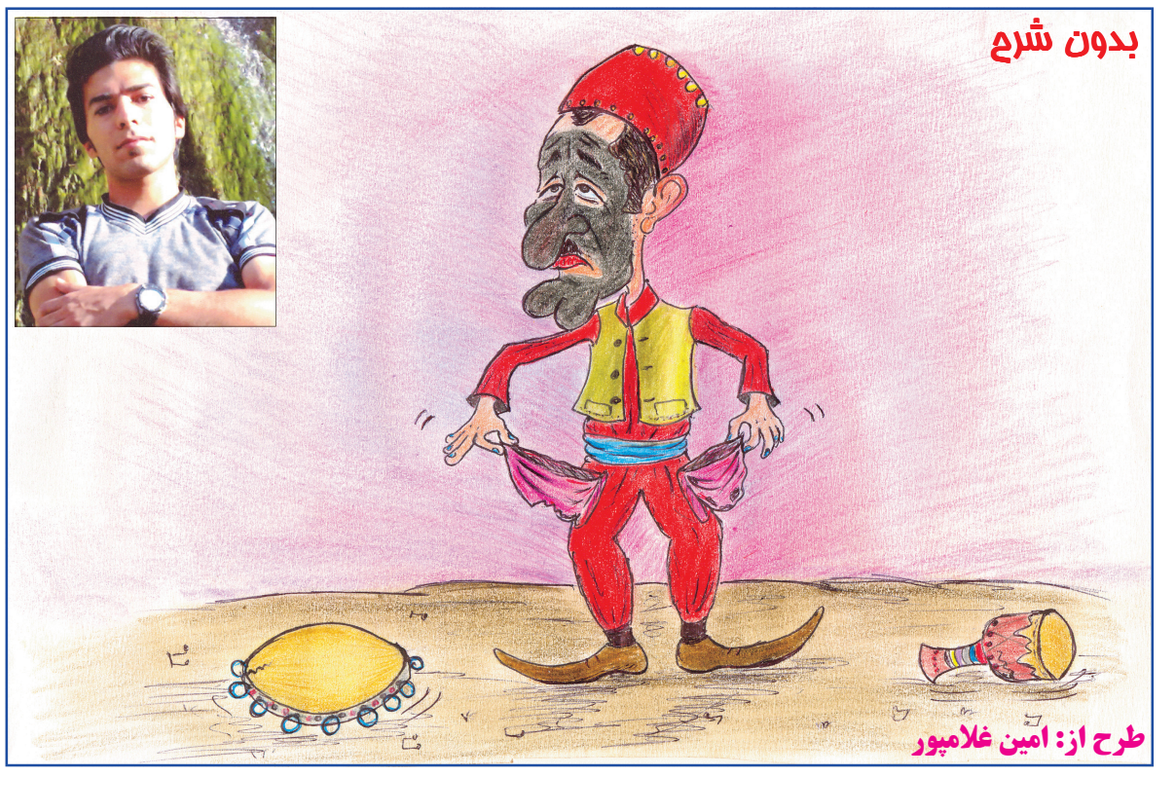

طرح از: امین غلامپور